۱۷۴

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

ما همیشه می‌گوییم حساب بکنیم و حساب‌ها منظّم باشد، از همه مهمتر حساب خودمان است، چه بکنیم؟ چه کردیم؟ نگاه می‌کنیم می‌بینیم چیزی نیست. مرحوم آقای وفاعلی رحمه‌الله می‌فرمودند که من یک وقتی در جوانی شعر می‌گفتم به زورکی، می‌خواستم بگویم شاعرم، شعری می‌گفتم. بعد اواخر متوجّه شدم، یکی از این اشعار را خواندم، دیدم خیلی مزخرف است. خودم ریشم را گرفتم و گفتم: ای ریش! خجالت نمی‌کشی با این شعرها؟ ولش کن، همان دفتر شعر را دور انداختم. این فرمایش ایشان است یعنی ما آنچه گفتیم اگر از این قبیل است، همان دفترش را دور بیندازید، پیش از آنکه خداوند ما را با آن دفتر با هم بیندازد. این دفتر، دفترِ کار ماست. هر روز که می‌گذرد ما می‌گوییم که دیروز این کار را کردیم یا نکردیم یا پریروز. این دفتر زندگی ما، دفتر خاطرات ما اینطوری است.

خیلی از کسانی که خاطراتشان را نوشته‌اند، به همین منظور بوده یا به این منظور از آن استفاده کردند. بعد خواندند دیدند حیف آن نانی که خوردم، حیف آن هوایی که تنفس کردم، اکسیژن گرفتم، گاز کربنیک دادم. این است نتیجه‌ی اعمال ما! حالا این نتیجه‌ی عمل را ما به‌جای اینکه چشممان را باز کنیم، از همه ببینیم، ببینیم فلان‌کس چه خطاهایی کرد، چه کارهایی کرد، این هم هست، به خودمان هم نگاه کنیم. ببینیم ما چه خطاهایی کردیم و جلوی چه خوبی‌هایی را گرفتیم و چه بیکاری‌ها بیخود هدر دادیم. خودمان هم به همان اندازه داریم. آنچه خدا می‌فرستد، برای تربیت ماست. خداوند شعله می‌فرستد که ما را ناراحت کند، آن شعله برای از بین بردن آن دفتر ماست و هیچ امری که خداوند مقرّر کرد عبث نیست، بی‌فایده نیست. حتّی برای اینکه این خیلی روشن بشود، خدا در قرآن یک‌جا می‌گوید: مگر فکر می‌کنید که من این زمین و آسمان را عبث آفریدم؟! بازیچه آفریدم؟! همه‌ی چیزها به هم مربوط است. ما اگر خیلی فکر کنیم و بخواهیم با فکر حل کنیم، اصلاً مغزمان خراب می‌شود. یک مورچه‌ای در اینجا راه می‌رود، این در زندگی کره‌ی مریخ مؤثّر است. چقدر؟ حالا اینقدر کم است که هیچ فهمیده نمی‌شود ولی همه‌ی اینها به هم مربوط است برای اینکه همه‌ی اینها از یک منبع آب می‌خورد و آن منبع، فرمایش خداوند است.

خداوند در مسیر خلقت و آفریدن موجودات، جانداران، انسان‌ها، می‌فرماید: عبث نیافریدیم. بگردیم، خودمان بگوییم پس برای چی ما را آفریده؟! نباید بگوییم که او بیاید به ما بگوید: برای چی آفریدیم. هر چند یک جاهایی گفته. ما که لقمه‌ی جویده نباید

بگذارند توی دهانمان، خودمان ببینیم ما چه کردیم یعنی یک سالی که گذشت و یک عید جدیدی می‌آید و همه با هم ان‌شاءالله شادی می‌کنیم. ببینیم تا عید گذشته چقدر تفاوت کردیم؟ اینها برای این است که این تفاوت در جهت کمال را ببینیم و دیده بشود، همه‌ی کدورت‌ها را بریزید. هر نگرانی دارید از نزدیکان، دوستان و حتّی از گردش جهان یعنی از خداوند متعال العیاذبالله، همه‌ی اینها را کنار بریزید و بدانید که از خداوند که خیر مطلق است جز خیر و خوشی نیست یعنی «آنچه او می‌کند خیر است» نه آنچه خیر است می‌کند. به این جمله خوب بیندیشید تا معنی آن در تمام وجود شما جلوه کند، رخنه کند: آنچه او می‌کند خیر است، نه آنچه او می‌کند به نظر ما خیر است. خیر یعنی آنچه که او می‌کند. همه‌ی اینها خیر است. وَمِنَ الخَیرِ لایَصدِرُ الّا الخیر، از خیر، از منشأ خیر، جز خیر صادر نمی‌شود. آنچه بحران‌هایی پیش می‌آید در اینکه ما با کسی کدورت داشته باشیم، خطای او را ببینیم و خطای خودمان را نبینیم، اینها همه از خودخواهی است و از اینکه ما خیال می‌کنیم خداوند دنیا را برای ما آفریده و هر چه ما بخواهیم، خیر است. نه! هر چه او بخواهد خیر است و ما سعی کنیم خودمان را منطبق با مشیّت او قرار بدهیم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۷)

*****

خداوند امام دوازدهم را مخفی کرد. البتّه بعضی‌ها می‌گویند: چرا امام را مخفی کرده؟ اگر بایستی ظاهر باشد که چرا مخفی کردند؟ به‌هرجهت شاید یکی از مطالبی که از گفتار ائمّه و بزرگان مذهبی و قدما فهمیده می‌شود این است که این غیبت برای آزمایش و ایمان مردمان بود. برای تقویت ایمان مردم و امتحان و آزمایش که آیا ایمانشان کامل است یا روی هویٰ و هوس است و چون مردم لیاقت دیدار امام معصوم را نداشتند، در این صورت خداوند آنها را از دیدار امام محروم کرد و این محرومیّت هنوز هم هست.

طبق آن عرف محلّی که بود و تقویت شد، فرزند پسرِ بزرگ هر شخصی جانشین او تلقّی می‌شد، به این‌جهت اینها مراقبت این را داشتند که اگر پسر بزرگی پیدا می‌شد او را هدر می‌دادند و همیشه هم این بود. اختلافی هم که گاهی اوقات بین پسر بزرگ و دیگران بود ولی خداوند غیر از آن عرف، خود هر کسی را لایق می‌دید، معیّن می‌کرد. کما اینکه مثلاً امام جعفرصادق که منصوب شده بودند، یکی از برادرانشان به‌نام عبدالله اَفطح، او هم امیدوار بود که جانشین باشد ولی جانشین نشد، امّا عدّه‌ای روی همان عرفی که فرزند بزرگتر را جانشین بدانند، کماکان او را جانشین می‌دیدند و امثال اینها. این عرف به صورت اعتقاد عمومی در همه‌ی مردم بود و شاید هم به‌همین‌جهت بود که خداوند امام دوازدهم را بعد از اینکه امامت پیدا کرد یعنی بعد از رحلت حضرت عسگری امام یازدهم او را عملاً به امامت منسوب کردند و او خواهد بود تا وقتی که ان‌شاءالله ما لیاقت پیدا کنیم و خداوند اراده کند که این مردم را اصلاح کند، ان‌شاءالله.

مدّت غیبتش هم معلوم نیست حتّی در بسیاری از اخبار هست که فرمودند: اگر کسی ادّعای رؤیت امام کرد و یا ادّعاهایی از جانب او کرد، او را تکذیب کنید و به‌همین‌جهت امام هم، هنوز در حال غیبت است یعنی امتحانی که خداوند کرده، انجام نشده است.

ان شاءالله خداوند ما را از امتحان درست بیرون بیاورد و چشم ما را به دیدار آن بزرگوار منوّر کند.

(برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۸، جلسه برادران ایمانی)

*****

امیدوارم که خداوند این ناله‌های ما را، درخواست‌های ما را که از او کرده‌ایم، بشنود به آن شنیدن، اثر قائل بشود. ان‌شاءالله از سال آینده حتّی طبیعت به ما محبّت کند. ما اگر می‌خواهیم که همه به ما محبّت کنند، باید ببینیم خداوند به همه چه کار می‌کند. خداوند اوّلین آیه را بِسْمِ‌اللهِ‌الرَّحْمنِ‌الرَّحیمِ قرار داده که دو تا صفت رحمان و رحیم، رحمت را هم جزء صفات خودش دانسته. ما اگر می‌خواهیم خدا به ما رحمت کند، خودمان هم باید همین صفتی را که خداوند برای خودش قائل شده، یک گوشه‌ای ببریم یعنی در همه جا مظهر رحیم باشیم. به دشمنان هم اگر دیدیم، دشمنی از لجاجت است، به ما ربطی ندارد، ما با لج سر و کار نداریم. لجاجت نکنیم برای اینکه چنین لجاجتی به خودمان لطمه می‌زند و اگر از روی لجاجت نیست، ما به همان دشمن‌مان رحم می‌کنیم زیرا می‌دانیم این دشمنی که با ما می‌کند، به ضررش تمام می‌شود. ما حتّی ضرر آن دشمن‌مان را هم نمی‌خواهیم. می‌خواهیم دشمنی او مرتفع بشود و به مقام دوستی و مهر و محبّتِ ما تسلیم بشود تا خداوند هم به او و به ما و همه رحم کند. البتّه آداب و رسومی که در آن هست، اینها ظاهراً ربطی به عوالم معنوی ندارد ولی در معنا همه‌ی اینها زاییده‌ی آن علاقه‌ای است که ما به مقام ابدیّت و ازلیّت داریم یعنی مقامی که می‌فرماید: لَمْ یلِدْ وَ لَمْ یولَد (سوره اخلاص، آیه ۳) در واقع اینکه سوره‌ی اخلاص را گفتند به اندازه‌ی ثلث قرآن است و اگر سه بار اخلاص را بخوانید به‌منزله‌ی این است که یک دوره قرآن را رعایت کرده‌اید، به‌خصوص در این سوره بر رحیم تکیه شده است. بعد از آنکه به نام خداوند رحمان و رحیم کار می‌کنیم، می‌گوییم بِسْمِ‌اللهِ‌الرَّحْمنِ، بعد تکرار می‌کنیم: بِسْمِ‌اللهِ‌الرَّحْمنِ‌الرَّحیمِ، الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، تکرار می‌کنیم. همین تکرار در واقع تکرار به نام خودِ ما است، نشان می‌دهیم که ما متوجّه شده‌ایم که خداوند مهمترین صفاتی را که بیان کرده است، رحمان است و رحیم. رحمان که صفت عامّ خداوند است و به مخلوقات کاری ندارد امّا رحیم، صفتی است که پیغمبر و ائمّه داشته‌اند و ما هم باید با داشتن این صفت، افتخار کنیم. به هیچکس خشم و غضب نگیریم. برای آینده بر خودمان عهد کنیم که هیچ خشم و غضبی را بر دیگران حتّی بر دشمنان قبول نکنیم. بعد هم این را توجّه کنیم که خداوند می‌فرماید: الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مالِكِ یوْمِ الدِّین (سوره فاتحه، آیات ۴-۳) به‌عنوان تهدید یا به‌عنوان آزمایش به ما می‌گوید: من رحمان و رحیم هستم. در واقع پاداش و جبران هر عملی دست ماست. این تهدیدی است برای خطاکاران و آنهایی که از پاداش الهی نگران می‌شوند. خداوند به هر زبانی که باشد، معذرت‌خواهی را می‌پذیرد و گناهان را هم می‌بخشد.

البتّه اعیاد، هر عیدی یک وضع خاصّی ندارد. همه‌ی اعیاد یک روزی است که خورشید از این‌طرف درمی‌آید به آن‌طرف فرو می‌رود. این اعمال ماست که برای‌مان دنیا را نورانی می‌کند یا برای‌مان دنیا را آتش می‌کند. خداوند دنیایی و آتشی آفریده، اگر خود بخواهد این آتش، نور می‌شود. هر آتشی نوری دارد منتها ما از نورش استفاده کنیم و اگر غضب کند که اَعوذُ بِاللهِ مِنَ النّارِ و مِن غَضَبِ الجَبّار، در آن صورت این آتش سوزندگی می‌شود یعنی تمام جهان و تمام خلقت در اختیار اوست.

***

خیلی کاغذها می‌رسد که متوقّع هستند من یک کاری کرده باشم و جواب‌شان را بدهم ولی وقتی التماس دعا می‌کنید دیگر من جواب چه بدهم به شما؟ من هم با شما التماس دعا می‌کنم. گوش‌تان و چشم‌تان را باز کنید تا ببینید دعایی را که به درگاه خدا می‌شود و ببینید پاسخی که او می‌دهد. حتماً خداوند پاسخ می‌دهد منتها چگونه پاسخ می‌دهد؟ آن چشم و گوشی که آن نور را دارند، حس می‌کنند. چشم و گوش که گفتم باز کنید، آن چشم و گوشی است که خدا هم دارد. خدا هم چشم دارد هم گوش دارد؛ وَهُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ (سوره شوریٰ، آیه ۱۱) وقتی می‌گوییم خداوند بینا و شنواست یعنی هم گوش دارد و هم چشم منتها گوش و چشمی که او دارد این نیست که ما داریم، این چشم و گوشِ ما بی‌نور است و آن چشم و گوش همه‌اش نور است. باید این دقّت را بکنید، پیدا شدن آن چشم و گوش توسّل به چشم و گوش الهی است.

دعاهای خدایی باید طوری خوانده بشود که گوشِ او بشنود یعنی لازم نیست فریاد بزنید، حتّی دست هم که بلند می‌کنید به دعا، بی‌اختیار است. به هر صورتی باشد و در هر حالتی از خدا نباید فراموش کنید و باید دعا کنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۸، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.